

• روند کشف حجاب در تاریخ معاصر

شاه دیرزمانی بود که برای پیاده کردن نقشه و برنامه حجاب‌زدایی و اجرای تز برهنگی، با مردم ایران درگیر بود و می‌توان گفت، جریان حجاب‌زدایی بخش مهمی از اندیشه او را به سوی خود کشانده بود. او بر این باور بود که یکی از شیوه‌های رویارویی با اسلام و ارزش‌های اسلامی، رواج فرهنگ برهنگی و بی‌بندوباری است. از این رو سالیان درازی تلاش کرد، با چراغ خاموش و شیوه نرم و نادیدنی و بی سر و صدا، ملت ایران را ناخودآگاه به سوی بی‌بندوباری، بی‌حجابی و برهنگی بکشاند؛ لیکن در بیشتر موارد، نقشه‌های او برملا شد... کارپردازان رژیم شاه از هر فرصت و مناسبتی، برای پیاده کردن سیاست بی‌حجابی بهره می‌گرفتند؛ حتی در مراسم تشکیل شرکت تعاونی تلاش می‌کردند، دختران دانش‌آموز را به‌گونه‌ای فریب‌کارانه و ناآگاهانه به برداشتن چادر وادارند و زشتی و رسوایی بی‌حجابی را کاهش دهند؛ لیکن با مخالفت و سرسختی دانش‌آموزان رو به رو شدند و نقشه‌شان نقش بر آب شد.

گزارش ساواک در این مورد چنین است:

... ساعت ۱۶:۰۰ روز ۵/۱۲/۴۵ بنا به دعوت آگهی از طرف حزب ایران نوین، در حدود ۳۲ نفر از دختران دانش‌آموز دبیرستان پروین اعتصامی و ۵۲ نفر از محصلین دبیرستان‌های این شهرستان در حالی که به-وسیله یک نفر سرپرست از اداره آموزش و پرورش هدایت می‌گردیدند، در سالن شیر و خورشید با حضور آقایان فرماندار، موحدی ریاست سازمان تعاون و ولی‌الله دالایی ریاست اداره تعاون و امور روستاها اجتماع نموده و... در خاتمه اضافه کرد: چون عکاس می‌خواهد، عکس بگیرد و عکس‌ها به مرکز فرستاده می‌شود، از دختر خانم‌ها تقاضا می‌شود که چادر خود را بردارند که توجهی نشد. به خانم غیائی سرپرست آنها گفته شد، ایشان اظهار داشت: من نمی‌توانم بگویم؛ میل خودشان است. از آن گذشته پدر و مادر دخترها نمی‌دانند که بچه‌هایشان کجاست. ممکن است که ایراد بگیرند...»

• نقش مأموران رژیم در اجرای «منویات ملوکانه»

مأموران رژیم در راه اجرای «منویات ملوکانه»، مدارس اسلامی را زیر فشار گذاشتند که دانش‌آموزان دختر آن مدارس، بی‌چادر در سر کلاس حاضر شوند و بر آن بودند، معلم مرد به آن مدارس بفرستند و بدین‌گونه زمینه برای حجاب‌زدایی گام به گام فراهم شود؛ لیکن واکنش تندى که از سوى مسئولان مدارس اسلامی و خانواده دانش‌آموزان و عموم مردم بروز کرد، دست‌اندرکاران آموزش و پرورش و مقامات ساواک را به پریشانی و سردرگمی کشانید و گوشه‌ای از دشمنی آنها با چادر را نشان داد.

• گزارش ساواک واکنش مردم

... به دنبال دستور آقای نبوی مدیرکل آموزش و پرورش استان تهران دایر بر بی‌چادر حاضر شدن دختران در مدارس اسلامی، غوغایی در بین متعصبین مذهبی به راه افتاده و یک عده به نبوی فحاشی می‌کنند و می‌گویند: او چادر دختری را پاره کرده است. بعضی‌ها می‌گویند: وزیر آموزش و پرورش، بهایی است و این دستور از طرف بهائیان صادر شده و یک دسته مخالف شاهنشاه آریامهر نیز این دستور را از ناحیه مقامات عالیه کشور می‌دانند و به‌طور کلی مستمسک خوبی برای تبلیغ علیه دولت به دست مخالفین افتاده و سرپرست جامعه تعلیمات اسلامی به‌نام شیخ عباسعلی اسلامی هم، هر جایی که می‌نشیند، در این زمینه داد سخن می‌دهد و بر میزان محبوبیت خود در حمایت از دین، میان مخالفین افزوده و نسبت به مقامات دولتی اهانت می‌کند.

• نظریه شنبه و مبارزه باتأسیس مدارس اسلامی

نظریه شنبه، مقصر اصلی ایجاد این قبیل حوادث مقامات دولتی هستند؛ زیرا در یک کشور، یک بام و دو هوا که نمی‌شود. مدارس یا باید دولتی باشد یا ملی و وجود مدارس اسلامی در جوار این مدارس، به‌معنی این است که مدارس دیگر غیراسلامی هستند و نتیجه‌اش این است که اغلب خراب‌کارها از دل این مدارس اسلامی سر بیرون آورده‌اند. دولت بایستی هرچه زودتر با پیش‌بینی‌های لازم جلوی این قبیل شیادان را بگیرد و آنها را به مردم معرفی کند. مدارس اسلامی چه مفهومی دارد. هر کس علاقه‌مند به فراگرفتن مسائل فقهی اسلامی است، برود در حوزه‌های علمیه تحصیل کند. به‌جای اینکه مسئولین بخواهند به این طریق چادر را از سر زنان بردارند، بهتر است بگویند، بایستی تمام زن‌های ایران از حجاب اسلامی استفاده کنند. حجاب اسلامی با چادر فرق دارد. چادری که سر و سینه و پاها و قسمت‌های دیگر بدن آشکار باشد، حجاب اسلامی نیست و در هیچ‌یک از کشورهای اساهمی مانند [ناخوانا] چادر وجود ندارد. معنی حجاب اسلامی این است که زنان بایستی طوری لباس بپوشند که بدنشان معلوم نباشد و چنانچه دولت برای مدت معینی و در صورت امکان برای همیشه دستور بدهد که کلیه زنان بایستی جوری لباس بپوشند که بدنشان معلوم نباشد، چادر هم خود به خود از بین می‌رود.»

• **استفاده جریان ضد حجاب از ارادل و اوایلش برای پیاده کردن تز برهنگی**
رژیم شاه برای پیاده کردن سیاست برهنگی با اینکه بارها با واکنش تند و توفان بار مردم غیرتمند و آزاده رو به رو می‌شد و سیلی می‌خورد، دست از توطئه خود ضد حجاب و عفاف زنان ایرانی برنمی‌داشت و از هر فرصتی اجرای تز برهنگی را پی می‌گرفت؛ گاهی نیز از ارادل و اوایلش برای پیشبرد نقشه‌های خود بهره‌برداری می‌کرد.



جریان حجاب‌زدایی

در تاریخ معاصر ایران

مبارزه با حجاب زنان مسلمان کشور که اصطلاحاً به «کشف حجاب» معروف شده حاصل یکی از باورهای رضاخان پهلوی است؛ باور به دین‌زدایی، اسلام‌ستیزی و مبارزه با اعتقادات مذهبی مردم. «کشف حجاب» مهمترین سوغات سفر رضاشاه به ترکیه بود. گرچه از ۱۳۱۴ که فرمان کشف حجاب صادر شد تا مدت ۶ سال دستگاه حکومتی رضاخان تلاش کرد، با زور و سرکوب و ارباب به مقابله با حجاب زنان بپردازد؛ ولی این تلاش موفق نبود و به‌محض سقوط رضاشاه آنچه در جامعه عیان می‌نمود، بازگشت خیل عظیم زنان مسلمان به سمت حجاب بود. درباره تاریخ حجاب در ایران، از جمله مسئله کشف حجاب در دوره رضاشاه و نیز وضعیت حجاب در دوره پهلوی دوم کتاب‌های بسیاری نوشته شده است؛ در متن پیش رو به سیر جریان حجاب‌زدایی در تاریخ معاصر ایران پرداخته است که در ادامه مرور می‌کنیم.

در گزارشی آمده است:

... ساعت ۱۲:۰۰ روز ۵/۹/۴۵ وجهیه الهی معاون جامعه تعلیمات اسلامی اظهار نموده است: ساعت ۱۰:۰۰ خطیب رئیس ناحیه ۷ طبق دستور آقای نبوی به‌اتفاق چند مرد به مدرسه دخترانه معصومیه مراجعه و ضمن داد و فریاد به مدیر مدرسه اظهار نموده است: بی‌عرضه! چرا با چادر، محصلین را به مدرسه راه می‌دهی...»

• نقش «چادر» و «چادری‌ها» در پیشبرد نهضت امام خمینی و دلایل مقابله محمد رضا پهلوی با آن

شاه از دو زاویه خود را ناگزیر می‌دید که با چادر به‌عنوان نماد فرهنگ اسلامی و سنت دینی رویارویی کند؛ نخست آنکه دریافتنه بود، پایبندی و باورمندی مردم ایران به سنت‌ها و آرمان‌های اسلامی، نقش مهمی در تداوم و پیشرفت نهضت امام داد و این نهضت به‌گونه‌ای رشد کرده و ریشه دوانده است که با سرزیره و سرکوب نتوان آن را از میان برد. بنابراین تلاش داشت- به هر قیمتی- مردم ایران را از سنت‌ها، باورها و آیین‌های اسلامی دور سازد. دوم، چنانکه پیش‌تر اشاره شد، شاه بر آن بود، ایران را به کشوری دست‌ساز فرنگ بدل کند و به فزون-خواهان و نفت‌خواران غربی که پایبندی ملت ایران به اصول و قوانین اسلامی را سدی در برابر آز و نیاز استعماری خود می‌بینند، به‌طور عینی بنمایاند که ریشه باورمندی به اسلام را از بیخ و بن کنده و فرنگی‌مآبی را در ایران گسترش داده است و بدین‌گونه ابرقردت‌های غربی را وامدار خود سازد و برای استواری تاج و تخت خویش پیوسته از مدد آنها برخوردار بماند؛ از این‌رو به‌رغم برخوردهای کوبنده و شکننده‌ای که از مردم در جریان حجاب‌زدایی می‌دید که گاهی به پس‌رفت ناگزیر می‌شد، از توطئه ضد چادر باز نمی‌ایستاد. او دوام سلطنت خود را در برچیدن بساط

چادر و حجاب اسلامی می‌دید. بنابراین از هر طرف که شکست می‌خورد، نقشه‌های خود را از طرف دیگر پی می‌گرفت.

• مخالفت اولیای دانش‌آموزان اصفهان با کشف حجاب

طبق سیاست حجاب‌زدایی او، مسئولان برخی از مدارس اصفهان از ثبت‌نام دختران چادری برای سال تحصیلی ۱۳۵۴ خودداری ورزیدند. خانواده دانش‌آموزان برای شکستن این بی‌فرهنگی و شیوه ضدآزادی و غیرانسانی به امام جمعه اصفهان که خود از سرسپرگان به دربار بود، روی آوردند و از او مدد خواستند. او در نامه‌ای در این-باره به منوچهر آزمون که در آن تاریخ به‌نمایندگی مجلس شورای ملی منصوب بود، چنین نوشت:

... غرض از تصدیع آنکه متصدیان مدرسه عالی کورش اصفهان، از ثبت‌نام دخترانی که با چادر مراجعه کردند، خودداری نموده که این کار علاوه بر مخالفت با شرع مقدس و اهانت به اهل اصفهان که اکثریت بانوانشان محجبه می‌باشند؛ چون موجب سلب آزادی و منع از تحصیل و خلاف اوامر ملوکانه است، انتظار دارد، اولاً اولیای امور را متوجه فرمایید، در رأس این قبیل مؤسسات علمی و آموزشی، اشخاص ذی صلاحی را بگمارند که اطراف و جوانب کار را از هر جهت در نظر داشته و...»

• مقاومت انقلابی «دانشجویان چادری» در برابر جریان ضد حجاب

رژیم شاه و همدستان حجاب‌ستیز او، به‌رغم موج فریبنده و مسومعی که ضد چادر به راه انداخته بودند، گزارش‌هایی دریافت می‌کردند که برایشان دردآور و نگران‌کننده بود. گاهی گزارشی به آنها می‌رسید که برخی از دختران دانشجویی که از نظر علمی در رتبه بالایی قرار دارند، با چادر در سر کلاش حاضر می‌شوند و از آن سرسختانه دفاع می‌کنند. در یک گزارش آمده است:

... موضوع: تیره ماها

یادشده بالا که دانشجوی انستیتو عالی علوم بیمارستانی... می‌باشد، همیشه با چادر در سر کلاس حاضر می‌شود و به‌عنوان یک فرد مذهبی متعصب معروفیت دارد. مشااژالیها چندی قبل در سر کلاس درس جامعه‌شناسی سال دوم که استاد آن، آقای رشادت بودند، کنفرانسی داد که در آن تلویحاً از وضع جامعه ایران و رژیم و نظام کنونی انتقاد نمود. ضمناً وی و هم‌فکرانش در گفت‌وگوهایی که با هم دارند و همچنین در مباحثه با سایر دانشجویان، از حکومت‌های مارکسیستی طرفداری می‌کنند!!! و آقای رشادت استاد جامعه‌شناسی انستیتو نیز، به‌نحو قابل توجهی به این افراد پر و بال می‌دهد و از مشوقین آنان می‌باشد. حتی به آنها اظهار داشته: این را درک می‌کند که نمی‌شود خیلی چیزها را سر کلاس گفت... ضمناً قبل از [ناخوانا] اعتصابی در انستیتو علوم بیمارستانی به وقوع پیوست که چند نفر از دوستان نزدیک تیره ماها از جمله رجایی و پستهکن که در این اعتصاب دست داشتند، به اتفاق ۱۲ نفر دیگر از دانشجویان دستگیر و زندانی شدند... نظریه شنبه: گفته می‌شود، کنفرانس تیره ماها در سر کلاس بی‌دخالت در اعتصاب دانشجویان نبوده است...

• تاکتیک‌های رسانه‌ای جریان ضد حجاب برای پیاده‌سازی تز برهنگی

شاه به‌رغم دریافت گزارش‌های هشداردهنده که در پیش آمد، بر این باور بود که با شیوه نرم و بی‌صدا و همچون آب زیر کاه و با تاکتیکی مرموزانه و به‌دور از بگیر و ببند قلدرمآبانه، می‌تواند ملت ایران را خواب کند و گام به گام از فرهنگ اسلامی دور سازد و فرنگی‌مآبی را در جامعه نهادینه کند و نقشه‌های دیرینه انگلیس و آمریکا را برای از رسمیت انداختن اسلام در ایران به‌بار بنشانند. لیکن آنچه در میان مردم جریان داشت، واقعیت‌های دیگری را نشان می‌داد و اوضاع به سمت و سوی دیگری پیش می‌رفت که شاه هرگز آن را باور نداشت. بیگانگی او از ملت و دنباله‌روی از سیاست استکبار جهانی و نفت‌خواران بین‌المللی، او را در چاه تاریکی افکنده بود که نه فریادی را می‌شنید و نه پیامی را درمی‌یافت. او نمی‌توانست، باور کند که برنامه‌های به‌ظاهر اصلاحی و رفم آمریکایی «انقلاب سفید شاه و ملت»! برای ملت ایران، جز یک کم‌دی خنده‌آور، معنا و مفهومی ندارد و توده‌های مردمی با پیروی از رهبری‌ها و رهمندهای امام دگرگون شده و راه نوینی را در پیش گرفته‌اند.

• پاسخ‌شاه به نگرانی‌های آیت‌الله خوانساری در مورد کشف حجاب

شاه دیرزمانی بود، این نقشه را در سر داشت که زنان و دختران ایرانی را بر آن دارد که چادر را به‌کلی کنار بگذارند؛ هرچند اگر به حجاب اسلامی روی آورند. از خاطرات امیر اسدالله علم نیز به دست می‌آید که شاه به‌شدت دنبال حذف چادر بوده است. در یادداشت‌های او آمده است:

... عرض کردم آیت‌الله خوانساری بابت اینکه بخشنامه شده، در بعضی دبیرستان‌ها که به‌نام دبیرستان اسلامی معروف است، بعضی دخترها چادر دارند، باید چادر را بردارند، ناراحت است... [شاه] فرمودند: درست است؛ ولی من هم چاره ندارم. اگر این کارها را نکنیم که نمی‌توانیم جلوی چپ با چپ‌گراها را بگیریم، به هر قیمتی شده، این کار را خواهیم کرد؛ ولو به‌قیمت بستن این مدارس...

شاه با لجاجت و سماجت به جنگ با حجاب و چادر برخاسته، رسانه‌های گروهی وابسته به دربار و دولت را وادار کرده‌بود، تبلیغات گسترده‌ای ضد حجاب و چادر به راه بیندازند و چادر را مایه زشتی، پستی، پس ماندگی، بی‌عرضگی، بی‌سواد ی و... بنمایانند. دستگاه تبلیغاتی رژیم شاه- به‌ویژه جراید- ضد حجاب و چادر سمپاشی می-کردند، کاریکاتورهایی نمایش می‌دادند، اشعار می‌سرودند و بر سر زبان‌ها می‌انداختند. چادر را «دست و پاگیر» «حقیرکننده» و «واکن سیاه»! می‌خواندند.

• جراید هنجارشکن و تیت‌ره‌ای ترویج برهنگی

جرایدی که ارتزاق‌شان از راه به نمایش گذاشتن تصویرهای شرم‌آور و نیمه‌برهنه زنان بود، هر روز به‌بهانه‌ای ضد حجاب و چادر قلم‌فرسایی و جوسازی می‌کردند. مجله زن روز در این مأموریت، بیش از دیگر نشریه‌های جوساز و دروغ‌پرداز ضد چادر، سمپاشی و لجن‌پراکنی می‌کرد. زنان و دختران را به بی‌بندوباری و هوس‌رانی فرا می‌خواند و به‌مناسبت ۱۷دی چادر را کیسه سیاه نامید و با پندار اینکه چادر مرده و از میان رفته است، عنوان «مرگ کیسه سیاه» را به‌عنوان تیتر برگزید و با عناوین دیگری مانند: «از کفن سیاه تا صندلی وزارت»، «ن زن ایرانی چهار اسبه، از عهد چادر و چاقچور و کجاوه دور می‌شود...» و «دیروز سیاه دیگر برنمی‌گردد»، تلاش کرد؛ زنان را از حجاب و عفاف بی‌ار کند.

سمپاشی مجله زن روز ضد حجاب و چادر تا آن پایه بود که نظریه‌پرداز ساواک، خشم و خروش و خیزش سراسری ملت ایران را در پی شهادت [علامه سیدالمصطفی خمینی رحمه‌الله، ناشی از مطالبی می‌دانست که در این مجله، از یک‌سال پیش از آن ضد چادر نگارش شده است:

... آنچه موجب شد، عده‌ای متعصب مذهبی بین مردم عامی دست به تحریک بزنند، مطالبی است که از یک سال قبل در مجله زن روز به‌نام از بین بردن قطعی چادر نوشته می‌شود و عده‌ای از بانوان عضو جمعیت زنان در بین مردم شهرت داده بودند که به دستور والاحضرت اشرف پهلوی، به‌زودی برنامه رفع حجاب عمومی و از بین بردن چادر در سراسر کشور عملی خواهد شد...

منبع: نهضت امام خمینی رحمه‌الله، ج۵، صص ۴۳-۴۲ ادامه دارد...

در بیست‌وهشتمین جلسه شورای هماهنگی واحدهای پژوهشی بررسی شد

سامانه‌های طراحی‌شده در معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه

شاخصه‌ها و جدول مذکور، به جلسات آتی شورای هماهنگی موکول گردید.

همچنین در این نشست، علاوه بر اعضای شورای هماهنگی واحدهای پژوهشی(رؤسای پژوهشگاه‌های علوم و فرهنگ اسلامی، خاتم‌النبیین رحمه‌الله، قرآن و حدیث، حوزه و دانشگاه، فرهنگ و اندیشه اسلامی، بنیاد امامت، مؤسسه امام خمینی رحمه‌الله، کتاب‌شناسی شیعه، جامعه‌المصطفی رحمه‌الله، انجمن‌های علمی حوزه و دفتر مطالعات و تحقیقات زنان)، مدعوین دیگری از برخی واحدهای پژوهشی (رئیس پژوهشگاه امام صادق رحمه‌الله، رئیس مرکز تحقیقات کامپیوتری نور و رئیس مؤسسه موضوع‌شناسی احکام فقهی) نیز حضور داشتند که به تبادل رأی و ارائه نظرات خویش در موضوع اهمیت رده‌بندی مراکز و واحدهای پژوهشی و نیز بازطراحی رویکرد مراکز پژوهشی در راستای پاسخگویی به نیازهای دینی و علمی حوزه، نظام و جامعه پرداختند.

«بانک جامع اطلاعات مراکز» در این سامانه، درون‌داد، فرآیند، برون‌داد و فعالیت آن‌ها در ساحت‌های مختلف، مشخص شده و به ارزیابی و رتبه‌بندی مراکز نیز دست یابیم. همچنین در جهت پاسخگویی به نیازها لازم است، رویکرد مراکز و واحدهای پژوهشی بازطراحی گردد.

خاطرنشان می‌گردد، در ادامه این نشست، اعضای شورا دیدگاه‌های خود پیرامون سازشده‌ها و جدول پیشنهادی ارزیابی و رتبه‌بندی مراکز را بیان نمودند.

پیش از این، جدول پیشنهادی مذکور برای نظرخواهی به چندین مرکز و واحد پژوهشی ارسال گردیده بود و پاسخ‌های مکتوبی نیز واصل و به‌شور گذاشته شد.

اعضای جلسه نیز، ضمن اجتناب‌ناپذیر دانستن موضوع ارزیابی مراکز پژوهشی، نکاتی در خصوص ضرورت استانداردسازی فرایند رتبه‌بندی مراکز و چگونگی عملیاتی‌سازی آن و لزوم توجه به تنوع مأموریت‌ها و ظرفیت‌های مراکز مطرح کردند و ادامه بحث در خصوص

کاربردی که خلأهای موجود را در نظر داشته و پاسخگوی نیازهای روز باشد، از مهمترین ویژگی‌های یک جامعه علمی پویا و یک تمدن سرزنده، خواهد بود.

از این رو یکی از برنامه‌ها و دغدغه‌های معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه از دیرباز، همین دو موضوع بوده است. در امتداد بحث و گفت‌وگو پیرامون موضوعات یادشده، بیست وهشتمین جلسه شورای هماهنگی واحدهای پژوهشی در معاونت پژوهش حوزه در مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه برگزار گردید.

حجت‌الاسلام والمسلمین مقیمی حاجی، معاون پژوهش حوزه‌های علمیه، در این جلسه ضمن تأکید بر ضرورت پیگیری مطالبات مطرح‌شده دردهمین نشست هم‌اندیشی مراکز پژوهشی، گزارشی از سامانه‌های راه‌اندازی‌شده در معاونت پژوهش ارائه و تصریح کرد: سامانه‌های دیگری نیز در حال طراحی است که از جمله آن‌ها سامانه «مراکز پژوهشی» می‌باشد. به‌همین دلیل در نظر است، با ایجاد



توجه و اعتنا به هر کدام از مراتب و رده‌های سه عرصه «پژوهش»، «پژوهشگر» و «نهادهای پژوهشی» به‌تناسب جایگاهی باشد که احراز می‌کنند. همچنین هدف از پژوهش فقط سامان‌بخشی به یک پژوهش که در کتابخانه و قالبی مکتوب، حبس گردد، نیست؛ زیرا انجام پژوهش‌های

پژوهش و تحقیق دارای یک رتبه و درجه نیست. بسته به موضوع پژوهش، کیفیت سامان‌دهی آن و خروجی پژوهش، می‌توان پژوهشی راده‌بندی نمود. بر همین اساس، پژوهشگر و نهادهای پژوهشی نیز دارای تقسیم‌بندی و مراتب گوناگون خواهد بود. عدالت پژوهی نیز، مقتضی این است که